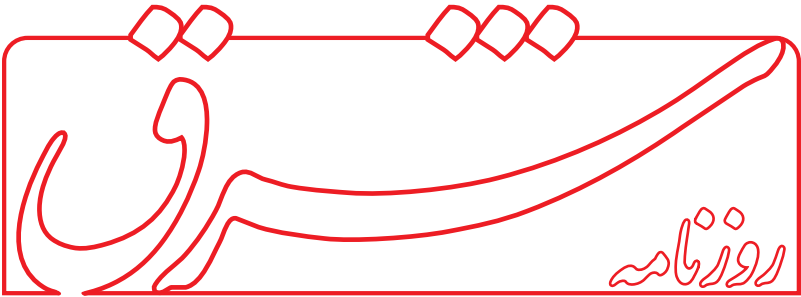




شتر

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱، ۸۸۶۵۸۵۷۵-۰
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵-۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳-۵
چاپ: نشر روزتاب - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۹ اذان مغرب ۱۷:۴۲ اذان صبح فردا ۴:۵۲ طلوع آفتاب ۶:۱۶



پنجشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۰ - ۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۳۲ - ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۳۷۲ - شماره ۴۴۹ دوره جدید - ۱۲ صفحه + ۲۲ صفحه ضمیمه

«جولیان بارنز» برنده جایزه بوکر ۲۰۱۱ شد



«جس پایان» نوشته جولیان بارنز نویسنده بریتانیایی ، برنده جایزه بوکر امسال و جایزه ۵۰ هزار پوندی شد. داوران امسال جایزه بوکر مدام مورد سرزنش قرار می‌گرفتند زیرا در انتخاب نامزدهای نهایی جایزه فقط «خوش‌خوانی» آثار مد نظرشان بود. اسلا رمیچنگتن، رئیس سابق اداره امنیت ملی بریتانیا (MI5) ریاست داوران بوکر را به عهده داشت. بارنز پیش از این سه بار نامزد دریافت جایزه بوکر بود. جایزه ادبی مَن بوکر، یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی دنیاست که هر سال به بهترین رمان جدید انگلیسی‌زبان که نوشته شهروندان بریتانیا، جمهوری ایرلند و کشورهای مشترک‌المنافع باشد، اعطا می‌شود.

مطالعات فرهنگی

اقتدار گذشته شبکه خویشاوندی



نعمت‌الله فاضلی

■ در ایران امروز اگرچه «شبکه خویشاوندی» (یعنی عموها، دایی‌ها و بستگان دور) اقتدار گذشته خود را ندارد، اما شبکه خانواده» در معنای اعضای درجه اول آن (پدر، مادر و فرزندان) مستحکم‌ترین در فرهنگ و سنت ایرانی است که در مقابل تمام فرایندهای سنت‌زدای مدرنیته مقاومت کرده است. اعضای درجه اول خانواده هنوز از یکدیگر حمایت می‌کنند و مهم‌ترین منبع تولید عاطفه و احساس انسانی هستند. اگرچه مردم اغلب سرد شدن این فضای خانوادگی را نیز تجربه می‌کنند. اما این سردی هنوز به شبکه خانوادگی ما نفوذ چندانی نکرده است. در سراسر سفر کوچک‌ترین تنش خانوادگی پیش نیامد و حرف‌های درگوشی نیز حکایت از رضایت قلبی همه از یکدیگر داشت. از این جهت این نکته را گفتم که نشست و برخاست‌های خانوادگی در ایران امروز اغلب با گرمی و شوق زیادی شروع می‌شود اما با سردی پایان می‌یابد و حرف و حدیث‌های تلخ زیادی ثمره آن می‌شود. برای پسر که عمده دوران زندگی‌اش در بریتانیا بزرگ شده است، دیدار از ایران و زندگی جمعی با چند خانواده ایرانی، تجربه‌ای منحصر به‌فرد بود. او اکنون ۹۰ ساله است و ترم نخست دانشگاهش در کینگز کالج لندن را به‌زودی آغاز می‌کند. برای همه کسانی که در فرودگاه امام خمینی (ره) به استقبال فرهنگ و همسر امده بودند نیز این کنجکاری وجود داشت. آنها نیز دوست داشتند بدانند فرهنگ با توجه به اینکه در سرزمین و فرهنگ دیگری رشد کرده و بالیده است چه تلقی و تجربه‌ای از ایران خواهد داشت. مادر بزرگ، عموها و خاله‌های کنجکاو بودند بدانند وقتی نوجوانی در بیرون از ایران رشد می‌کند، چه شخصیتی دارد و احتمالاً با پسر عموها و پسر خاله‌های ایرانی‌اش چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟ برای من نیز مقایسه‌هایی که فرهنگ بین جامعه ایران و بریتانیا می‌کند، اهمیت داشت. به رغم وجود رسانه‌ها و فتوایمدهای گسترده مردم به غرب، هنوز اشتیاق زیادی برای کسب اطلاعات از خارج و غریب در بین مردم ایران وجود دارد. گویی مردم به تصویرها و اطلاعات رسانه‌ای رسانه‌ای اعتماد ندارند و هنوز اطلاعاتی که از طریق ارتباطات چهره به چهره و برخاسته از تجربه‌های دست اول است برای مردم معتبرتر و دلنشین‌تر است. از این‌رو نه تنها دیدار فرهنگ و خانواده‌ام برای اطرافیان مهم و ارزشمند بود، بلکه صحبت‌ها و تجربه‌های آنها نیز شبنم‌تری و جذاب بود.

کارتون خواب



کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir



برداشت آخر

فردا شب حراج خیریه برگزار می‌شود

چکش هنرهای تجسمی در دست بازیگران

می‌شود و می‌تواند روحی تازه در کالبد جامعه بدمد. او در عین حال امیدوار است برپایی نمایشگاه خیریه تمرینی جدی و حرفه‌ای برای شکل‌گیری این رویداد در استانداردهای معمول جهانی در کشور ما باشد.

«پرویز کلاتری»، نقاش ۸۰ ساله کشورمان که با ارایه یک اثر از مجموعه کاهگل‌های همیشگی‌اش که ۲۹ میلیون تومان قیمت دارد و دومین اثر گرانتقیمت این حراج محسوب می‌شود در این رویداد هنری شرکت کرده است. گفت: هنرمندان همواره نسبت به کارهای انسان‌دوستانه بی‌تفاوتی و بهترین و بهترین نمایشگاه‌هایی است که در طول فعالیت هنری‌ام دیده و در آن شرکت داشتم. برگزاری حراج آثار هنری را یکی از اتفاقات مهم هنرهای تجسمی ایران می‌دانم و به نظرم این می‌تواند زمینه‌ساز تبدیل شدن ایران به یک حراجی مهم در سطح منطقه باشد.

«گوسلا وارگا سینیایی» هنرمند مجاری‌الاصل مقیم ایران که با اثری به قیمت هشت میلیون تومان در این حراج شرکت کرده است با بیان این مطلب که بحران اقتصادی خواه ناخواه تأثیر خود را در بازار فروش آثار هنری در ایران گذاشته است، گفت: جای خوشبینی است که هم اکنون علاوه بر کلکسیونرها، طبقه متوسط جامعه و همچنین بخش دولتی نیز وارد عرصه خرید و فروش آثار هنری شده‌اند.

«ناهنیا نعمتی» بازیگر عرصه سینما و تلویزیون در بازدید از این نمایشگاه گفت: براساس تجربه و فعالیتانی که در این سال‌ها در خیریه‌ها کسب کرده‌ام، می‌توانم ادعا کنم که مردم ایران بسیار انسان‌دوست هستند و ما هنرمندان هم باید به شیوه‌های متنوع و تا جایی که در توان‌مان است در کارهای خیر و انسان‌دوستانه سهیم باشیم. بخش نمایشگاهی نخستین حراج خیریه در محل جدید گالری شیرین واقع در خیابان ولنجک، کوچه جدهم، پلاک ۹ برپا شده است و مراسم حراج و چکش‌خواری این آثار جمعه ۲۹ مهر در هتل پارس‌بان اوین واقع در تقاطع بزرگراه یادگار امام و بزرگراه شهید چمران برپا خواهد شد.

شرق: «سیامک انصاری» و «علی لک‌پوریان» گردانندگان و مجریان نخستین حراج هنرهای تجسمی خیریه «پنجم دهش‌پور» شدند. این حراج ۲۹ مهر در هتل پارس‌بان اوین برپا می‌شود و سیامک انصاری و علی لک‌پوریان به همراه دو نفر دیگر از بازیگران، بر ۱۲۷ اثر این حراج چکش خواهند زد. «عمرالله کسریان» عکاس پیشکسوت ایرانی که با اهدای اثری به قیمت دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به خیریه پنجم دهش‌پور در نخستین نمایشگاه و حراج تجسمی شرکت کرده است گفت: هنرمندان همواره نسبت به کارهای انسان‌دوستانه و خیریه احساس مسوولیت می‌کنند. برپایی چنین نمایشگاه و حراجی ناشی از یک فکر بزرگ برای کمک به بیماران سرطانی است و در چنین شرایطی هم شاهد برپایی یک نمایشگاه تجسمی در سطح بالا هستیم و هم در یک حرکت انسان‌دوستانه شرکت کردیم.

استقبال بسیار شایان توجه از بخش نمایشگاهی این حراج که ۲۲ تا ۲۷ مهر در گالری شیرین (در ولنجک) برپا بود، امیدواری‌ها برای یک فروش چشمگیر و حمایتی بزرگ از بیماران مبتلا به سرطان را دو چندان کرده است. سلمان خسروانی مدیر اجرایی این رویداد با تقدیر از جامعه هنری و همکاری مثال‌زدنی‌شان و نیز همه حامیان این حراج: گالری شیرین، فرش حیدریان، شرکت گلستان، شرکت بازیگر هنر معاصر که برای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان تحت پوشش خیریه پنجم دهش‌پور آستین همت بالا زدند، ابراز امیدواری کرد جمعه پیش رو مردم نیکوکار و خیر ایران با خرید آثار هنری به بالاترین قیمت‌ها حامس‌های تاریخی خلق کنند و یکبار دیگر انسان‌دوستی خود را به رخ کشند.

هنری و همکاری مثال‌زدنی‌شان و نیز همه حامیان این حراج: گالری شیرین، فرش حیدریان، شرکت گلستان، شرکت بازیگر هنر معاصر که برای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان تحت پوشش خیریه پنجم دهش‌پور آستین همت بالا زدند، ابراز امیدواری کرد جمعه پیش رو مردم نیکوکار و خیر ایران با خرید آثار هنری به بالاترین قیمت‌ها حامس‌های تاریخی خلق کنند و یکبار دیگر انسان‌دوستی خود را به رخ کشند.

در حاشیه این حراج، «افشین پیرهاشمی» که بی‌گمان از نظر مارک هنر، مهم‌ترین هنرمند زیر ۴۰ سال ایرانی است و با اهدای صدها صدها فروش حاصل از تابلویش به خیریه دهش‌پور آن‌هم تنها به قیمت ۱۶ میلیون تومان، قدمی بزرگ در این کار خدایسندانه برداشته معتقد است. رویدادهایی از این دست موجبات تلطیف فضای جامعه و پررنگ‌تر شدن ارتباط عاطفی میان انسان‌ها

فلک الافلاک

سوالاتی سخت با جوابی آسان



بهمن فروتن

■ با سید، روزنامه‌فروش سر میدان بزرگ نوشهر رفته بودیم به دیدار پدر و مادرش در منطقه اشکور. اگر چند آرزوی خوب برای شما خواننده دارم یکی‌اش رفتن به اشکور است تا ببینید فندق و گل‌گوزیان ایران از کجا می‌آید. روز اول، پدر کارش را تعطیل کرد تا پیاده و سواره چرخ یزنیم و از جاهای دیدنی، بازدید کنیم. یکی از جاهای دیدنی منزل خان بود. بنایی بسیار زیبا که داشت خراب می‌شد. یکی از اهالی آلمانستان در حالی که عکس می‌گرفت از خراب شدن این بنا اظهار تأسف می‌کرد و می‌گفت در کشور ما سازمان حفاظت میراث فرهنگی هرگز اجازه نمی‌دهد که این ساختمان دچار چنین وضعیت اسفناکی شود. پدر، هر کاری کردیم داخل ساختمان نشده‌وقت می‌سرای خان را می‌گشتم و همان بیرون مانده بود. پیرمردی که کارهای سخت و طاقت‌فرسا او را شش‌دینا چروک‌کنده بود. پیرمرد نه‌ری را که از کمره کوه به پایین می‌رفت به مان نشان داد و گفت این راه ما به شهر بود، سه روز طول می‌کشید تا ما زن‌های حامله‌مان را برای زایمان به بیمارستان شهر برسانیم یا بچه می‌مرد یا مادر. خدا پدرشان را بیامرزد حالا ۲۵ دقیقه‌ای می‌رسیم سر جاده‌شش، در اتاق کوچک سقف کوتاهی نشسته بودیم کنار اجاقی که شامه‌های خشک فندق با ترق و تروق در آن می‌سوختند و ما را گرم می‌کردند. پدر دست‌های پینه‌پست‌ش را به طرف آتش گرفت و برای ما از آن روزهای وحشتناک در خدمت خان تعریف کرد. خدایا چقدر می‌شود تحقیر شد و بالا‌خیز تن به زندگی داد. من کجا بودم آن وقت‌ها که این مردان و خانواده‌هایشان در روستاهای دورافتاده بدون راه، بدون برق، بدون آب، بدون امکانات پزشکی، بدون امکانات تحصیلی و اصولاً بدون هر نوع امکاتی باید به خان خدمت می‌کردند. تازه می‌فهمم پدر چرا دوست نداشت وارد آن ساختمان شود، چون از آن محل نفرت داشت. راستی من کجا بودم؟ می‌دانید کجا؟ در شهر زندگی شهری‌ام را می‌گذراندم در تهران، پایتخت، بدون اینکه بدانم اشکور کجاست چه رسد به اینکه غم آدم‌های تحقیر‌شده‌اش را بخورم. پلک‌هایم سنگین شده بود، هنوز هیزم در اجاق، گرمای مطبوعی داشت. پیرمرد ساکت شده بود و من این سوال برابم پیش آمده بود که چگونه می‌توان بی‌تفاوتی زندگی شهری به مناطق محروم و نرفتی که محصول این بی‌تفاوتی‌هاست را به تعاون، همکاری و همیاری و دوستی‌ها تبدیل کرد؟ سوالاتی سخت با جوابی بسیار آسان: توجه به مناطق محروم.

فروش اینترنتی در سینمای تهران: آزادی، پردیس ملت، فرهنگ

cinema-azadi.com cinemamellat.com cinemafarhang.com

